

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

احادیثی که بیان گر نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم بر عبدالله بن ابی بن سلول است، عقلاً مردود می باشد
(ترجمه)

پرسش

السلام علیکم ورحمت الله و برکاته!

در صفحه ۲۸ جزء سوم کتاب شخصیه اسلامی (کتاب اصول فقه) در باب "لاحکم قبل ورود الشرع" چنین تصریح شده است: «بناء هر عملی که از انسان صادر و یا به عمل انسان تعلق گیرد، در شریعت جایگاه و حکمی دارد و هر حکمی دلیلی دارد که از خطاب شارع بر آن دلالت کرده است؛ زیرا حکمی قبل از ورود شرع و خطاب شارع به وجود نمی آید، از اینرو قبل از بعثت و بعد از بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم هیچ حکمی بدون دلیل شرعی وجود ندارد؛ مگر توسط دلیلی از رسالتش که آن را رسول الله صلی الله علیه وسلم آورده و به طور معین به آن حکم کند.

سوال این است که چگونه بین قاعده "لاحکم قبل ورود الشرع" (یعنی هیچ حکمی قبل از وارد شدن شریعت وجود ندارد) و بین آنچه که در تفسیر قرطبی در خصوص آیه مبارکه ذیل آمده است جمع می شود؟

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّا تَأْتِيهِ وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ [توبه: ۸۴]

ترجمه: هرگاه یکی از آنان مُرد اصلاً بر او نماز نخوان و بر سر قبرش (برای دعا و طلب آمرزش و دفن او) نه ایست؛ چرا که آنان به الله (سبحانه و تعالی) و رسولش باور نداشته اند و در حالی مرده اند که از دین الله (سبحانه و تعالی) و فرمان او خارج بوده اند.
چنانچه قرطبی در خصوص آیه فوق ذکر یازده مسئله را ذکر نموده است:

اول: روایت است که این آیه در مورد عبدالله ابن ابی ابن سلول و نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل شده است، این مسئله در صحیح بخاری و صحیح مسلم و غیر از آن ها در دیگر کتب حدیث ثابت شده است، در ظاهر امر روایات نشان می دهد که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر عبدالله ابن ابی نماز خواند و بعداً این آیه مبارکه نازل شده است. از انس بن مالک روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم وقتی می خواست به ابی ابن سلول نماز جنازه بخواند؛ جبرئیل علیه السلام نزد وی آمد، لباسش را گرفت و به عقب کشید و برای رسول الله صلی الله علیه وسلم این آیه مبارکه را تلاوت نمود، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم از نماز منصرف شده و نماز نخواند؛ روایات ثابت خلاف این روایت است. در بخاری از ابن عباس روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای آن نماز خواند؛ ولی بعداً منصرف شد. مدتی نگذشت که دو آیه از سوره "توبه" نازل شد و مانند این روایت از ابن عمر روایت شده است که این روایت را مسلم تخریح نموده، ابن عمر می گوید: «وقتی عبدالله ابن ابی ابن سلول مُرد، پسر آن عبدالله نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و خواست که پیراهن خود را بدهد تا پدرش را با پیراهن رسول الله صلی الله علیه وسلم کفن کند و سپس بر آن نماز بخواند، رسول الله صلی الله علیه وسلم می خواست بر ابن ابی نماز بخواند عمر رضی الله عنه استاده شد و لباس رسول الله صلی الله علیه وسلم را گرفت و گفت، یا رسول الله! آیا بر این نماز می خوانی در حالی که از نماز بر آن نهی شدی! رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: مرا الله سبحانه و تعالی اختیار داده است، سپس این آیه را تلاوت نمود:

﴿اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً﴾ [توبه: ۸۰] ترجمه: چه برای آن‌ها استغفار کنی و چه نکنی، (حتی) اگر هفتاد بار برای آن‌ها استغفار کنی. سپس فرمود: «من از هفتاد مرتبه بیشتر طلب استغفار خواهم نمود.» حضرت عمر رضی الله و عنه گفت او منافق است. بعد از آن رسول الله صلی الله علیه وسلم بر آن نماز خواند و الله سبحانه و تعالی این آیه مبارکه را نازل فرمود: «به هیچ یکی از این‌ها نماز نخوان و بر سر قبر آن استاد نشو!» رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز را ترک کرد، بعضی علماء گفته اند که رسول الله صلی الله علیه وسلم بنا بر ظاهر اسلام عبدالله ابن ابی بر آن نماز خواند و سپس این نماز را به دلیل نهی شدن آن ترک کرد. اقتباس از تفسیر قرطبی در مورد آیه ۸۴ سوره توبه تمام شد.

آیا نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم بر عبدالله ابن ابی این سلول توسط این آیه مبارکه منسوخ گردیده است؟ و آیا در آن وقت حکمی قبل از ورود شرع، خلاف قاعده عمومی "لا حکم قبل ورود الشرع" موجود بوده است؟ از شما سپاس گذاری می‌کنم! امید است که در این باره توضیح دهید.

پاسخ

وعلیکم السلام ورحمت الله وبرکاته!

سوال شما این است که اگر نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم به ابن ابی منسوخ شده باشد آیا این مسأله با قاعده "لا حکم قبل ورود الشرع" (حکمی قبل از وارد شدن خطاب شارع نیست.) نمی‌باشد؟

برادر محترم! طوری که در جزء اول کتاب شخصیه اسلامی در باب "عدم جواز اجتهاد رسول الله صلی الله علیه وسلم" ما به این مسئله پرداختیم، در آنجا احادیثی که نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم را برای عبدالله ابن ابی بیان نموده واضح ساختیم که این احادیث عقلاً مردود است؛ زیرا این احادیث با نصوص قوی‌تر از خود یعنی با قرآن کریم در تناقض قرار می‌گیرد، در این خصوص در صفحه ۱۵۰ الی ۱۵۲ متن ذیل ذکر شده است: «و اما این فرموده الله سبحانه و تعالی:

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّتَّ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ [توبه: ۸۴]

ترجمه: هرگاه یکی از آنان مُرد اصلاً بر او نماز نخوان و بر سر قبرش (برای دعا و طلب آمرزش و دفن او) نایست؛ چرا که آنان به الله (سبحانه و تعالی) و رسولش باور نداشته‌اند و در حالی مرده‌اند که از دین الله (سبحانه و تعالی) و فرمان او خارج بوده‌اند.

این آیه مبارکه بعد از این قول الله سبحانه و تعالی آمده است:

﴿فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَىٰ طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ﴾

ترجمه: هرگاه الله (سبحانه و تعالی) تو را (از جنگ تبوک) بسوی گروهی از آنان بازگرداند و ایشان از تو اجازه خواستند که در رکاب تو بسوی جهاد حرکت کنند، بگو: هیچ‌گاه با من به جهاد نخواهید آمد و هیچ وقت همراه من با هیچ دشمنی نخواهید جنگید (و این افتخار نصیبتان نخواهد شد) چرا که شما نخستین بار به کناره‌گیری و خانه‌نشینی خوشنود شدید، پس با کناره‌گیران و خانه‌نشینان بنشینید (و با پیرمردان و زنان و بیماران و کودکان باشید)!

از این آیه واضح می‌شود که رسول الله صلی الله علیه وسلم منافقین را در غزوات با خود نمی‌برد تا بدین وسیله منافقین خوار و ناچیز گردند و با شرف جهاد و خروج با رسول الله صلی الله علیه وسلم نائل نگردند و در آیه بعد از این آیه به صورت مستقیم بیان نموده است:

﴿وَلَا تَصِلْ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ﴾

ترجمه: یعنی بر ایشان نماز نخوان.

که این آیه بر ناچیز شمردن و خوار ساختن منافقین افزود و این خوار ساختن در وقت حکم کردن بر ایشان بوده است، پس این آیه و آیه قبل و بعد از آن، احکام منافقین و چگونگی تعامل بر ایشان را نشان می‌دهد. این آیات نشان می‌دهد که نباید منافقین در منزلت مؤمنین قرار گیرند و این آیه دلالت بر این را ندارد که گویا رسول الله صلی الله علیه وسلم در مسئله نماز بر ابن ابی اجتهاد نموده است؛ بلکه این آیه بر خلاف این مسئله دلالت دارد. حال آنکه این آیه در برابر منافقین تشریح شده است و با آیات دیگری که در این سوره ذکر شده، انسجام کامل دارد. پس به هیچ وجه از صراحت و دلالت این آیه نه منطقی و نه مفهوماً چنین چیزی دانسته می‌شود و این آیه دلالت بر آن ندارد که گویا اجتهاد و یا خطای رسول الله صلی الله علیه وسلم را تصحیح کرده باشد.

اما احادیثی که در مورد شأن نزول این آیه آمده است، روایات آحادی می‌باشند که دلیلی بر عقیده نبوده و نمی‌تواند با دلیل قطعی (قرآن کریم) در تعارض قرار گیرد و دلیل قطعی که تبلیغ رسول الله صلی الله علیه وسلم را در مورد احکام ثابت می‌سازد این است که رسول الله صلی الله علیه وسلم جز وحی از دیگر چیزی پیروی نمی‌نمود. علاوه بر این احادیث طوری دلالت دارند که گویا عمر ابن خطاب رضی الله عنه تلاش نموده تا رسول الله صلی الله علیه وسلم را از نماز جنازه بر "ابن ابی" منع نماید، این بدین معنی است که وی می‌خواست تا رسول الله صلی الله علیه وسلم را از یک عملی که توسط آن یک حکم را تشریح نماید، منع کند و یا این که رسول الله صلی الله علیه وسلم را از عملی منع نماید که از منظر شریعت یک عبادت به حساب می‌آید؛ اما رسول الله صلی الله علیه وسلم در برابر این عمل عمر رضی الله عنه سکوت کرده است و بعداً این آیه مبارکه نازل شد که چنین مسئله‌ای در حق رسول الله صلی الله علیه وسلم جائز نمی‌باشد، بناءً عمل نمودن به این احادیث با نبوت و رسالت رسول الله صلی الله علیه وسلم در تعارض بوده، عقلاً مردود است.

حدیثی دال بر این است که رسول الله صلی الله علیه وسلم پیراهن خود را برای عبدالله ابن ابی داد و می‌خواست بر آن نماز بخواند در حالی که او رئیس منافقین بود. عبدالله ابن ابی را الله سبحانه و تعالی بعد از غزوه بنی مصطلق رسوا نمود. پسر ابن ابی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد تا رسول الله صلی الله علیه وسلم آن منافق را بشناسد و از قتل آن دست کشید و الله سبحانه و تعالی سوره منافقین را بعد از غزوه بنی مصطلق نازل کرد و برای رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان کرد:

﴿هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُهُمْ قَاتِلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ [منافقون: ۴]

ترجمه: پس از آنان بر حذر باش! الله آن‌ها را بکشد، چگونه از حق منحرف می‌شوند!؟

﴿فَطَبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾ [منافقون: ۳]

ترجمه: بر دل‌های آنان مهر نهاده شده و حقیقت را درک نمی‌کنند!

﴿وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ﴾ [منافقون: ۱]

ترجمه: ولی الله (سبحانه و تعالی) گواهی می‌دهد که منافقان در گفته خود دروغگو هستند (چرا که به سخنان خود ایمان ندارند)!

سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و پیراهن خود را برای رئیس منافقین داد و تلاش می‌نمود که بر رئیس منافقین نماز بخواند و عمر رضی الله عنه آن را منع نمود این چنین حدیثی بر آیات مبارکه در تناقض است. آیه سوره توبه در سال نهم یعنی چند سال بعد از سوره منافقین نازل شده است؛ لذا احادیثی که از عمر رضی الله عنه و در مورد پیراهن رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده و با دیگر احادیثی که با چگونگی تعامل منافقین بعد از غزوه بنی مصطلق و آیات مبارکه در تناقض قرار دارد، عقلاً این احادیث مردود اند. « ختم متن کتاب شخصیه.

وقتی که این احادیث مردود باشد پس نسخ این احادیث توسط این آیه مبارکه:

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّا تَأْتِيهِ وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾ [توبه: ۸۴]

ترجمه: هرگاه یکی از آنان مُرد اصلاً بر او نماز نخوان و بر سر قبرش (برای دعا و طلب آمرزش و دفن او) نایست؛ چرا که آنان به الله (سبحانه و تعالی) و رسولش باور نداشته‌اند و در حالی مرده‌اند که از دین الله (سبحانه و تعالی) و فرمان او خارج بوده‌اند.

معنی ندارد؛ زیرا با رد این احادیث حکمی باقی نمی‌ماند که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر منافقین (عبدالله ابن ابی سلول رئیس منافقین) نماز خوانده باشد؛ لذا حکمی باقی نمی‌ماند که با نزول آیه مبارکه منسوخ شده باشد، بناءً به دلائلی که در فوق بیان نمودیم، نمازی بر "ابن ابی" باقی نمی‌ماند، از این رو کدام حکمی قبل از وارد شدن خطاب شارع نبوده و کدام نسخی در آن زمان به وجود نیامده است. این بود جواب سوال تان، الله سبحانه و تعالی در همه امور با حکمت و آگاه‌تر است.

برادر تان عطاء ابن خلیل ابوالرشته

۱۲ صفر ۱۴۴۱ هـ.ق

۱۱ دسمبر ۲۰۱۹ م

مترجم: مصطفی اسلام